

Analyzing China and I.R.Iran bilateral relations: gap between Expectations and Realities

Ehsan Fallahi*
Ali Omid>**


Received: 2020/02/02
Accepted: 2020/08/31

China and Iran experience harsh colonization in the 18th and 19th centuries by Europeans. During the two world wars, they became battlefield among the rival powers. After that China and Iran faced with the revolution in 1949 and 1979 respectively, the foundations of foreign policy in both countries affected by their distasteful historical experiments and revolutionary principles. Therefore, China and Iran consider the international order as injustice. So, Beijing and Tehran have had similar aims (not equivalent) in challenging international order. At the same time, Iran is in the center of world energy eclipse. Therefore, Iran and China attach much importance to their reciprocal relations. The foregoing discussion raises this question: How Iran and China's expectations and realities shape their bilateral relations? States may have different expectations from each other, but the inconsistency between expectations and realities may result in a strategic fault. There is ample support for the claim that "china's attitude to Iran is more economically and partly geopolitically against the United State. But Iran's expectation from China is more based on geopolitical leverage vis-à-vis the United States". In this study, the discussion centers on the regional and International levels of actions between Iran and China. This research has been conducted in the framework of interdependence theory by the descriptive-analytical method.

Keywords: China, Interdependence, International order, I.R.Iran,.


* Ph.D. Candidate in International Relations , University of Isfahan, Isfahan, I.R.Iran.

Fallahi@ase.ui.ac.ir

 0000-0001-7898-5899

** Associate Professor in International Relations, University of Isfahan, Isfahan, I.R.Iran
(Corresponding author).

Aliomidi@ase.ui.ac.ir

 0000-0003-1882-0465

تحلیل روابط دوجانبه چین و جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی: شکاف بین انتظارات و واقعیات^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

مقاله برای بازنگری به مدت ۴۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

احسان فلاحی*

علی امیدی**

چکیده

چین و ایران در دوران استعمار تحت نفوذ قدرت‌های بیگانه قرار گرفتند. سپس در دو جنگ جهانی بستر رقابت قدرت‌های متخاصم شدند. پس از این دوران هر دو کشور با انقلاب داخلی (۱۹۴۹ چین و ۱۹۷۹ ایران) مواجه شدند. لذا بنیادهای سیاست خارجی این دو کشور کم‌وبیش تحت تأثیر تجربه تاریخی و اصول انقلابی آنها قرار گرفته است. بر همین اساس، این دو کشور نظم رایج بین‌المللی را ناعادلانه دانسته و هدفی مشابه (نه یکسان) برای تعدیل نظم بین‌المللی دارند. از این رو هر دو کشور جایگاهی ویژه در روابط خارجی یکدیگر دارند. با توجه به نکات مذکور، این پرسش مطرح می‌شود که نگاه ایران و چین به یکدیگر در روابط خارجی چگونه است؟ در این مقاله استدلال شده که: نگرش چین به ایران مبتنی بر محاسبات اقتصادی و ایجاد توازن ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی غیرچالشگرانه در برابر آمریکا است. نگرش ایران به چین بیشتر بر مبنای برقراری موازنه سیاسی در برابر آمریکا و ایجاد تکیه‌گاه اقتصادی بنا شده است. در این مقاله کنش متقابل چین و ایران در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی با استفاده از نظریه وابستگی متقابل و با رویکرد توصیفی - تحلیلی ارزیابی شده است.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، چین، سیاست خارجی، نظم بین‌المللی، وابستگی متقابل.

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.

eh.Fallahi@ase.ui.ac.ir

0000-0001-7898-5899

** دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی

ایران (نویسنده مسئول).

aliomidi@ase.ui.ac.ir

0000-0003-1882-0465

مقدمه

بیان مسئله: با توجه به شاخص‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی، چین یکی از قطب‌های اصلی قدرت در سیاست بین‌الملل به حساب می‌آید. از این جهت اتخاذ یک رویکرد منطقی و واقع‌بینانه نسبت به این کشور بسیار حایز اهمیت است. اما انتظارات کشورها از یکدیگر بعضاً عملگرایانه نیست و به نتایج نامناسب منتهی می‌شود. به نظر می‌رسد انتظارات ایران هم با توجه شرایط چین واقع‌بینانه نباشد؛ که این پژوهش آن را می‌کاود. **اهمیت:** وابستگی متقابل اقتصادی، آزادی عمل دولت‌ها را محدود می‌کند. این قضیه در مورد چین به عنوان غول اقتصادی جهان به شدت صادق است. شناخت محدودیت‌هایی که وابستگی متقابل پیچیده اقتصادی در جهان امروز ایجاد می‌کند؛ نه تنها از جهت نظری، بلکه به لحاظ کاربردی در تدوین و اجرای سیاست خارجی ایران مهم است.

ضرورت: عدم شناخت الزامات سیاسی و اقتصادی وابستگی متقابل پیچیده اقتصادی در جهان امروز، ممکن است به سیاست‌گذاری و توقعات نادرست در روابط خارجی منتهی شود. از این‌رو، عدم شناخت دقیق مسائل اقتصادی و سیاسی چین در جهان امروز ممکن است به خطای راهبردی در سیاست خارجی ایران منجر شود. بنابراین تحقیقات علمی در این موضوع، دارای ضرورت نظری و کاربردی است.

اهداف: هدف اصلی این پژوهش، شناخت پیشران‌های اصلی سیاست خارجی چین با توجه به وابستگی پیچیده متقابل در جهان امروز است تا بدین‌وسیله دستگاه دیپلماسی ایران رویکرد واقع‌بینانه‌ای به چین داشته باشد. کمک به شکل‌گیری نظریه‌ای بومی در عرصه سیاست خارجی؛ و ارائه پیشنهادات کاربردی به دستگاه سیاست خارجی، دو هدف فرعی تحقیق حاضر را شکل می‌دهند.

سؤال‌ها: پژوهش پیش‌رو در پی پاسخ به این پرسش اصلی است: انتظارات جمهوری اسلامی ایران از جمهوری خلق چین در تعاملات بین‌المللی چه اندازه واقع‌بینانه است؟ در همین خصوص به سؤال‌های فرعی زیر پرداخته شده است: رویکرد متقابل چین و ایران نسبت به یکدیگر چگونه است؟ جایگاه ایران در سیاست خارجی چین کدام است؟ **فرضیه:** سه دیدگاه در مورد روابط ایران و چین وجود دارد. عده‌ای معتقدند که چین صرفاً به منافع اقتصادی خود می‌اندیشد و انتظارات سیاسی تهران جایگاهی در

سیاست‌های چین ندارد. گروه دوم معتقدند که چین به طور بالقوه مایل به حمایت سیاسی از ایران در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا است و نقش لنگر اقتصادی برای تهران دارد؛ اما محدودیت‌های وابستگی متقابل با اقتصاد جهانی، مانع از بالفعل شدن آن شده است. دیدگاه سوم معتقد به اتحاد ایران و چین علیه قدرت هژمون و همکاری آنها برای تغییر نظم بین‌المللی است. فرضیه نگارندگان شباهت بیشتری با نگرش دوم دارد. لذا اینگونه استدلال شده: نگرش چین به ایران بر اساس محاسبات اقتصادی و تا حدودی ایجاد توازن ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی غیرچالشگرانه در برابر آمریکا و رابطه متوازن با رقبای ایران بنا شده است. نگرش ایران به چین بیشتر بر مبنای برقراری موازنه سیاسی در برابر آمریکا و ایجاد تکیه‌گاه اقتصادی با انتظار کمک به چالشگری در برابر آمریکا است. **روش پژوهش:** رویکرد نویسندگان توصیفی - تحلیلی، نوع تحقیق کاربردی، و روش جمع‌آوری داده‌ها اسنادی است. روش تحلیل داده‌ها کیفی و با استفاده الگوی تحلیل برآمده از نظریه وابستگی متقابل انجام شده که در بخش نظری تبیین شده است.

۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های موجود را با توجه به رویکرد هنجاریشان، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱-۱. پژوهش‌های بدبینانه

برخی پژوهش‌های سیاست خارجی چین در قبال ایران را کاملاً سودجویانه قلمداد می‌کنند. امام‌جمعه‌زاده و نساجی (۱۳۹۲) با بررسی سیاست خارجی نسل پنجم رهبران چین در قبال جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه می‌رسند که بر اساس متغیرهای فردی، حکومتی، ملی و بین‌المللی، چینی‌ها بیشتر نگاه اقتصادی به ایران دارند و ضمن رعایت هنجارهای بین‌المللی، حساسیت‌های آمریکا را در رابطه با ایران کاملاً لحاظ می‌کنند. سازمند و ارغوانی (۱۳۹۲) با پیش‌فرض گرفتن وجود نوسان در روابط چین و ایران در صدد بررسی موانع و چالش‌های اتحاد استراتژیک میان دو کشور هستند و در نهایت چهار عامل تنش‌های ساختاری، لابی منطقه‌ای، انتظارات متفاوت و نقش آمریکا را در این زمینه معرفی می‌کنند. شاهنده (۱۳۹۶) معتقد است که چین برای تبدیل شدن به یک قدرت تمام‌عیار، حفظ پیوندهای عمیق خود با آمریکا را ضروری دانسته و رابطه با ایران

را در این چارچوب معنا می‌کند. از این‌رو روابط ایران و چین در راستای حفظ منافع ملی چین قرار دارد. او معتقد است که سیاست نگاه به شرق به ویژه چین و هند نه تنها باری از دوش تهران بر نداشته؛ بلکه مورد سوءاستفاده آن دولت‌ها نیز بوده است.

۲-۱. پژوهش‌های واقع‌بینانه

جان گارور^۲ (۲۰۱۱) به طور مفصل روابط دو کشور را بررسی کرده و در سراسر کتاب او، این منطبق به چشم می‌خورد که چین همواره در رابطه با ایران محاسبه ضرر حاصله در رابطه با آمریکا را داشته است. وی معتقد است که سیاست چین در مورد ایران ترکیبی از فرصت‌طلبی و دید راهبردی بلندمدت است که وی آن را فرصت‌طلبی استراتژیک^۳ می‌خواند. کندیت و اکبرزاده^۴ (۲۰۱۹) معتقدند الگوی روابط چین و ایران از منطبق رابطه نامتقارن میان قدرت‌های بزرگ و متوسط پیروی می‌کند. در این نوع روابط قدرت بزرگ نفع بیشتری می‌برد. اما ابتکار کمربند راه^۵ فرصتی برای متعادل‌تر شدن رابطه چین و ایران فراهم کرده است. ولی با توجه به مواضع بین‌المللی ایران تغییر الگوی روابط این دو کشور دشوار به نظر می‌رسد.

با تأمل در پیشینه مشخص می‌شود که از حیث رویکرد نوشتار حاضر متمایز از دسته اول پژوهش‌ها؛ و از حیث الگوی تحلیل، متفاوت از دسته دوم می‌باشد. در واقع نوآوری مقاله حاضر تأکید بر اصل واقع‌گرایی در تعامل با چین با استفاده از نظریه وابستگی متقابل است.

۲. مبانی مهورمی

۲-۱. وابستگی متقابل

وابستگی به معنای زیر سلطه یک نیروی دیگر بودن است. وابستگی متقابل یعنی نیاز دو جانبه که ناشی از جریان تعاملات میان بازیگران است (Keohane & Nye, 2011, p.9).

۲-۲. حساسیت

«حساسیت» از میزان تأثیرپذیری یک بازیگر در چارچوب سیاست‌گذاری حکایت دارد. به این معنا که تحول در یک واحد با چه سرعت و تا چه اندازه‌ای از تغییرات و تحولات در سایر واحدها متأثر است؟ (Keohane & Nye, 2011, p.11).

۲-۳. آسیب پذیری

آسیب پذیری همتای جدایی ناپذیر حساسیت در متون تئوریک است که به معنای «توانایی یک بازیگر در تحمل هزینه‌های تحمیل شده توسط وقایع خارجی حتی پس از تغییر سیاست‌ها تعریف می‌شود» (Keohane & Nye, 2011, p.11).

۳. مبانی نظری

نظریه وابستگی متقابل نقش محوری در تبیین شرایط جهان معاصر دارد و در حد نوشتار حاضر می‌توان چهار گزاره بینادین برای آن معرفی نمود:

گزاره اول. میزان وابستگی با میزان حساسیت، تفاوت دارد.

وابستگی متقابل ضرورتاً به معنای وجود میزان حساسیت یکسان نیست. برای مثال تحت تأثیر قرار گرفتن آمریکا، ژاپن و اروپای غربی به خاطر افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۳-۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ حکایت از حساسیت این کشورها در وابستگی متقابل دارد. اما حساسیت آمریکا در قبال افزایش قیمت نفت نسبت به ژاپن پایین‌تر است؛ زیرا بخش کمتری از نیاز نفتی آمریکا به وسیله واردات تأمین می‌شود.

گزاره دوم. سطح آسیب پذیری در ارتباط با میزان وابستگی است.

هزینه تطابق پذیری با تغییرات خارجی برای بازیگران چقدر می‌باشد؟ پاسخ به این سؤال در واقع میزان آسیب پذیری را نشان می‌دهد. فرض کنید کشور «الف» و «ب» هر دو ۵۰ درصد نفت مصرفی خود را وارد می‌کنند و لذا حساسیت آنها نسبت به افزایش قیمت نفت برابر به نظر می‌رسد. اما اگر «الف» بتواند با هزینه‌ای متوسط به منابع داخلی اکتفا کند و یا انرژی‌ها تجدیدپذیر را جایگزین کند؛ آسیب پذیری او در قیاس با «ب» پایین‌تر خواهد بود. بنابراین آسیب پذیری متکی بر دسترسی نسبی به جایگزین‌ها و هزینه‌های ناشی از آن است (Keohane & Nye, 2011, pp.7-12).

گزاره سوم. در نظریه وابستگی متقابل، سلسله مراتبی برای موضوعات وجود ندارد. در این نظریه، مسائل نظامی و امنیتی لزوماً از سایر مسائل مهم‌تر نیستند. لذا اهمیت و کاربرد زور به مفهوم نظامی آن در روابط بین‌الملل کاهش می‌یابد و دولت‌ها از راه‌های دیگری اهداف را پیش می‌برند. این نظریه معتقد است که با گذر زمان و توسعه کشورها ماهیت امنیت ممکن است از امنیت وجودی با ابزار نظامی به امنیت رفاهی با ابزار اقتصادی تغییر پیدا کند. از این رو ساختار و پویای نظام بین‌الملل تعدیل می‌شود

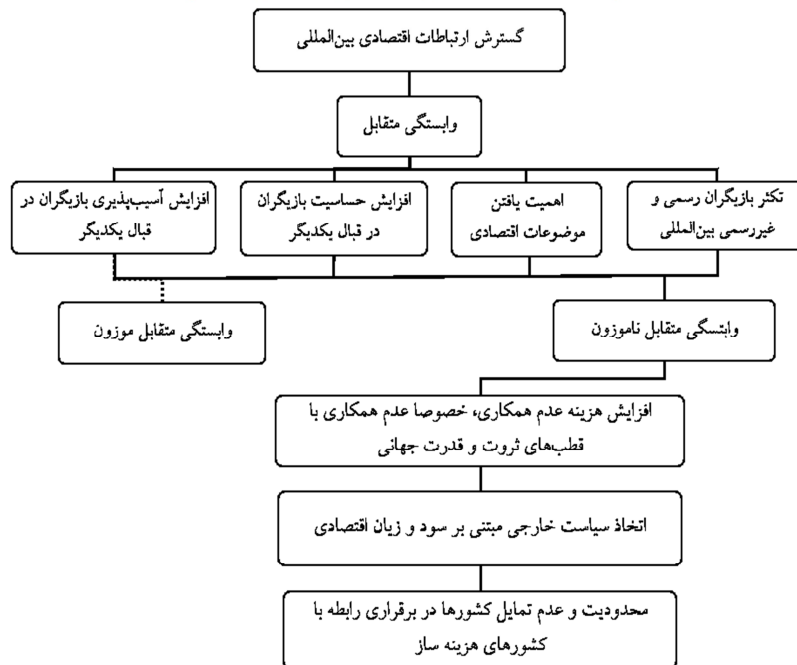
و رابطه میان کشورها دیگر صرفاً تعارضی نخواهد بود؛ بلکه آمیخته‌ای از تعارض و همکاری در قالب مبادلات شکل گرفته و در نهایت باعث می‌شود تا جهان به مکان صلح‌آمیزتری تبدیل شود (سیف‌زاده، ۱۳۹۰، صص. ۲۸۱-۲۸۰).

گزاره چهارم. وابستگی متقابل لزوماً به مزایای دوطرفه منجر نمی‌شود.

وابستگی متقابل را نباید به معنای «موازنه برابر» در وابستگی دوجانبه در نظر گرفت. زیرا وابستگی متقابل میان کشورها وقتی نامتقارن است که به احتمال زیاد زمینه اعمال نفوذ یک بازیگر بر دیگری فراهم باشد. در این شرایط معمولاً طرفی که کمتر وابسته است از وابستگی متقابل به عنوان منبعی از قدرت برای چانه‌زنی استفاده می‌کند (Keohane & Nye, 2011, pp.7-9). این روند باعث می‌شود که طرفین به یک میزان هزینه نکنند و به یک میزان نیز سود نبرند (سیف‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۳۳۶).

حال می‌توان الگوی تحلیل نوشتار حاضر را به شرح نمودار زیر ترسیم نمود:

نمودار شماره (۱): الگوی تحلیل وابستگی متقابل



(طراحی توسط نویسندگان)

۴. نگاه متقابل ایران و چین در سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران تلاش داشته تا برای جلوگیری از انزوای خارجی به سوی همکاری با قدرت‌های مؤثر غیرغربی در نظام بین‌الملل گام بردارد. چین به عنوان قدرتی در حال ظهور یکی از گزینه‌های مطلوب تهران برای کسب حمایت خارجی است؛ زیرا قدرت اقتصادی چین و برخورداری از حق و تو جایگاه ویژه‌ای به این کشور در تعاملات بین‌المللی داده است. علاوه بر این چین به تدریج در حال نفوذ در مناطق مجاور ایران مانند خلیج فارس و آسیای مرکزی است. همچنین تهران و پکن یک جانبه‌گرایی آمریکا در نظام بین‌الملل را برنتافته و لذا متحدانی طبیعی در سطح منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شوند (Currier & Dorraj, 2010, p.61). البته ماهیت همکاری آنها تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که منجر به نزدیکی و بعضاً بروز عدم تعادل در مناسباتشان شده است (Harold & Nader, 2012, p.13). عدم تعادل در روابط ایران و چین بدان جهت است که در سیاست خارجی چین نگاه پراگماتیستی حاصل از وابستگی متقابل بر نگاه آرمانی غلبه دارد. اما در سیاست خارجی ایران، اصول آرمانی نیز مطرح و ارزشمند است. بدین منظور لازم است مهم‌ترین حوزه‌های روابط دوجانبه ایران و چین در سطح منطقه‌ای و جهانی بررسی شود.

۴-۱. وابستگی متقابل ناموزون در سطح منطقه‌ای

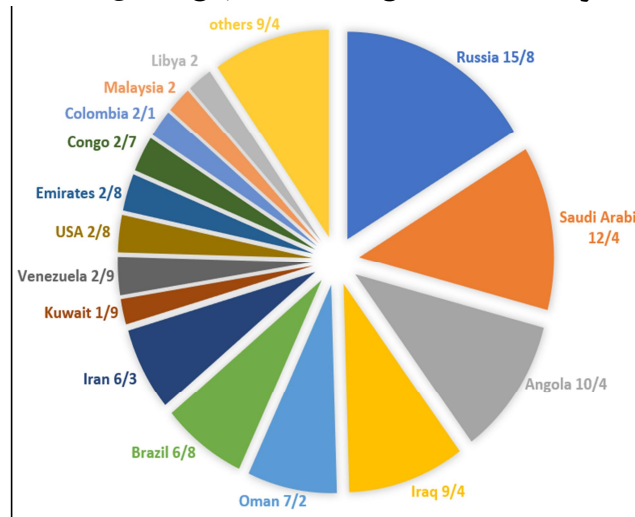
روابط چین و ایران مطابق نظریه وابستگی متقابل، با توجه به موضوع و محور آن، در حالت ناموزون قرار دارد. در این خصوص توجه به این مسائل ضروری است:

الف. مسئله انرژی و نفت

گروهی از پژوهشگران روابط چین با ایران، به ویژه در سطح منطقه‌ای را صرفاً بر اساس تبادل انرژی ارزیابی می‌کنند. درحالی‌که روابط این دو کشور فراتر از موضوعات محض مربوط به صادرات و واردات نفت است (Downs & Maloney, 2011, p.18). اگر چه برخی معتقدند که تقلیل روابط این دو کشور به مسائل مربوط به انرژی یک ساده‌سازی اغراق‌آمیز و تأسف‌آور است (Garver, 2016, p.180)، اما از منظر نگارندگان این واقعیت انکارناپذیر است که در روابط دوجانبه ایران و چین، حداقل از منظر چین، مسائل مربوط به تأمین سوخت نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. زیرا با افزایش

تقاضای نفت در چین در دهه ۱۹۹۰ این کشور درصدد برقراری رابطه بلندمدت با تولیدکنندگان نفت در خاورمیانه برآمد (Hong, 2014, p.409) که ایران نیز یکی از آنها بود. لذا بن‌مایه اصلی روابط چین با ایران ریشه در دغدغه امنیت انرژی دارد. با این وجود نباید مسئله را بزرگ‌نمایی کرد. زیرا ایران تنها یکی از تأمین‌کنندگان انرژی چین است و در مقایسه با سایر کشورهای عرضه‌کننده نفت به چین مانند عربستان، امارات و آنگولا نمی‌توان جایگاهی ویژه برای ایران قائل بود^۶ (Currier & Dorraj, 2010, p.62). لذا نمی‌توان به خاطر صادرات نفت حمایت سیاسی خیلی مستحکمی را از چین انتظار داشت. چنان‌که آمریکا با ترغیب کشورهای عرب به افزایش صادرات نفت در پی کاهش وابستگی نفتی چین به ایران بوده است. اگرچه چین برای پذیرش این پیشنهاد آمریکا همواره مردد بوده؛ اما در حال حاضر به بهای کاهش واردات نفت از ایران واردات نفت چین از کشورهای دیگر به ویژه کشورهای عربی افزایش یافته است (Pieper, 2013, p.308). ایران در سال ۲۰۱۰ حدود ۹ درصد نفت وارداتی چین را تأمین می‌کرد و بعد از عربستان و آنگولا در رتبه سوم قرار داشت (EIA, 2011, p.5). با حفظ همین ۹ درصد در سال ۲۰۱۴ جایگاه ایران به رتبه پنجم در واردات نفت چین سقوط کرد؛ زیرا صادرات کشورهای دیگر مانند روسیه و عمان به چین رشد داشت (IEA, 2015, p.11). اما در سال ۲۰۱۸ ایران ۶/۳ درصد از نفت وارداتی چین را تأمین کرده و جایگاه آن به رتبه هفتم سقوط نموده است. اگرچه راهبرد چین ایجاد تنوع در کشورهای تأمین‌کننده انرژی است اما شواهد نشان می‌دهد که با اعمال تحریم‌های یکجانبه آمریکا، جایگاه ایران در مقایسه با سایر رقبا تقلیل یافته است. بنابراین کاهش واردات نفت چین از ایران باعث افزایش فشار تحریم‌ها بر ایران می‌شود. نمودار زیر سهم تأمین‌کنندگان نفت چین در سال ۲۰۱۸ را نشان می‌دهد.

نمودار شماره (۲): تأمین کنندگان نفت چین در سال ۲۰۱۸



(Source: Workman, 2019)

ب. مسائل سیاسی و امنیتی

علی‌رغم در اولویت بودن مباحث مربوط به نفت، اما جایگاه منطقه‌ای چین و ایران برای یکدیگر فقط محدود به تبادل نفت نیست. دو کشور اهمیت سیاسی و امنیتی نیز برای یکدیگر دارند که بارزترین نماد آن اشتراک نظر چین و ایران در مقابله با نفوذ واشینگتن در مناطق مجاور است. این تعامل افزون بر مطلوبیتی که برای ایران دارد و در قالب مقابله علنی ایران با نفوذ آمریکا در خلیج فارس و غرب آسیا نمود یافته است؛ به ایجاد موازنه منطقه‌ای در مقابل آمریکا به نفع چین (Leverett, 2015, p.142) نیز کمک کرده است؛ به گونه‌ای که واشینگتن نمی‌تواند برای مهار چین به راحتی به شرق آسیا چرخش پیدا کند. لذا استراتژی «محور قراردادن شرق آسیا»^۷ در سیاست خارجی آمریکا با حالت فرسایشی مواجه شده؛ زیرا بخشی از توان راهبردی آمریکا عملاً صرف مقابله با ایران و گروه‌های مورد حمایت تهران در غرب آسیا می‌شود (Alterman, 2013, p.4; Harold & Nader, 2012, p.2). بنابراین چینی‌ها اگرچه در سیاست‌های اعلامی خود مایل به حل اختلاف‌های ایران و آمریکا از طریق مذاکره هستند؛ اما بعید به نظر می‌رسد که نیم‌نگاهی به ایجاد موازنه و تقلیل توان آمریکا در غرب آسیا با اتخاذ سیاست‌های مختلف نداشته باشند (Garver, 2011, p.97; Leverett, 2015, p.141). از همین منظر

عده‌ای از پژوهشگران معتقدند که تمرکز آمریکا بر روی برنامه هسته‌ای ایران باعث کاهش توجه این کشور به کره شمالی در حیاط خلوت چین شده است (Currier & Dorraj, 2010, p.61). گارور برای بررسی دیدگاه چینی‌ها در مورد نقش موازنه‌ای ایران در مقابل آمریکا تعدادی از مهم‌ترین نشریات چینی را بررسی و به این نتیجه رسیده که در اکثر این نشریات به سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال ظهور^۸ برای مهار آمریکا در خلیج فارس صحنه گذاشته شده است (Garver, 2016, p.183). چین در واقع ایران را یک شریک بالقوه برای تحقق راهبرد محدود کردن نفوذ ایالات متحده در غرب آسیا و خلیج فارس می‌داند (Harold & Nader, 2012, p.13). بیانات رسمی مقامات ایرانی نیز حکایت از تمایل تهران برای استفاده از چین در مقابل آمریکا دارد. به عنوان مثال آقای روحانی معتقد است که «ایستادگی ایران و چین در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا به نفع منطقه و جهان است» (روحانی، ۱۳۹۸). اما نکته قابل توجه نحوه ایستادگی این دو کشور برای ایجاد موازنه در مقابل آمریکا است. به عنوان مثال می‌توان به بحران سوریه اشاره کرد. بدون شک و توی قطعنامه‌های ضدسوری در شورای امنیت توسط چین و روسیه هماهنگ با اهداف منطقه‌ای ایران بوده است. اما چین برای ایجاد موازنه در سوریه خود را درگیر رقابت نظامی و هزینه‌های آن نکرده و از رویکرد موازنه نرم استفاده کرده است. این در حالی است که چین تلاش دارد در قالب ابتکار کمربند راه^۹ در منطقه غرب آسیا نفوذ کند. با این وجود کم‌ترین هزینه ممکن را برای برقرای ثبات در سوریه داده است. اما پیش‌بینی می‌شود که سرنوشت سیاسی سوریه هر چه که باشد چین در دوران پسابحران به جایگاه اقتصادی بهتری نسبت به متحدین خود دست یابد (فلاحی و شفیعی، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۱). تهران نیز در صدد است که از ظرفیت‌های چین برای موازنه منطقه‌ای در مقابل آمریکا بهره‌برد. در همین راستا جهانگیری در دیدار با وزیر امور بین‌الملل چین پس از اشاره به تلاش آمریکا برای برهم زدن نظم در خلیج فارس و خاورمیانه اظهار داشته که «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حمایت از چندجانبه‌گرایی و مقابله با هژمونی آمریکا است و در این زمینه آماده همکاری با کشور چین در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی هستیم» (جهانگیری، ۱۳۹۸).

پ. تأثیر مسائل انرژی و امنیتی بر یکدیگر

همان‌گونه که در بند قبلی اشاره شد، چین نگران عرضه با ثبات انرژی از مسیر تنگه هرمز است؛ زیرا دیپلماسی انرژی چین مبتنی بر واردات نفت از مناطق مختلف جهان از جمله خلیج فارس، آن هم بدون درگیر شدن مستقیم در معادلات امنیتی آن مناطق، است (Djallil, 2011, p.233). بر همین اساس مشاهده می‌شود که رهبر چین بعد از حمله به آرامکو در تماس تلفنی با «بن سلمان» موضع‌گیری خنثی داشت و بدون مقصر خواندن هیچ کشوری این حملات را محکوم و خواستار خویشتنداری طرفین شد (Reuters, 2019). در حالی که آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه؛ ایران را مسئول این حملات معرفی کرده بودند. از این رو حضور نظامی آمریکا در مناطقی مانند تنگه هرمز را نمی‌توان تهدید وجودی برای چین تلقی کرد؛ زیرا اولویت چین در حال حاضر تقویت حضور امنیتی در دریای جنوبی و تنگه مالاکا است (Jacques, 2009, p.335) و مناطقی دورتر مانند خلیج فارس فعلاً در اولویت امنیتی چین قرار ندارد. به همین جهت برخی معتقدند که حضور آمریکا در خلیج فارس می‌تواند از منظر حفظ امنیت و جلوگیری از اختلال در رفت‌وآمد کشتی‌های تجاری و نفت‌کش‌ها برای چین آثار و نتایج مثبتی داشته باشد (Scobell & Nader, 2016, pp.1-2). اهمیت این موضوع از آن جهت است که حدود ۵۰ درصد نفت چین از طریق کشورهای خلیج فارس و با عبور از تنگه هرمز تأمین می‌شود. در واقع چین نه تنها از حضور امنیتی روسیه و ایران در منطقه بلکه از حضور امنیتی آمریکا در خلیج فارس نیز بهره برده است. اما با کاهش وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه، واشینگتن درصدد چرخش به شرق آسیا و تمرکز بیشتر بر روی معادلات آن منطقه برای مهار چین است. چنانکه ذکر شد چین مایل است که مانع از تحقق این امر شود یا حداقل آن را به تأخیر اندازد. از سوی دیگر موقعیت ژئواکونومیکی ایران برای چین بسیار حائز اهمیت است به طوری که پیش‌بینی می‌شود چین با استفاده از جایگاه کشورهایمانند ایران در قالب طرح‌هایی مانند «ابتکار کمربند راه» موازنه ژئوپلیتیکی را در بلندمدت (حداقل ۵۰ سال آینده) به نفع خود تغییر دهد. با این وجود چین با رقبای منطقه‌ای ایران مانند عربستان روابط اقتصادی و نظامی قابل توجهی دارد. بر اساس اطلاعات مؤسسه تحقیقات صلح

بین‌الملل استهکلم^{۱۰} چین در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به میزان ۷۵ میلیون دلار فروش تسلیحاتی به عربستان داشته است (SIPRI, 2019). همچنین حجم تجارت خارجی عربستان با چین در سال ۲۰۱۷ حدود ۵۰/۱ میلیارد دلار بوده است که این رقم برای ایران حدود ۳۷/۱ میلیارد دلار است (UN Comtrade, 2019). این موضوع وابستگی متقابل چین با رقبای منطقه‌ای ایران را نشان می‌دهد که بیش از سهم تهران است. لذا انتظارات ایران از چین با توجه به حساسیت و آسیب‌پذیری چین در منطقه قابل فهم است. یعنی حمایت قاطعانه چین از ایران هزینه‌هایی را برایش خواهد داشت، و بر اساس اصول توسعه‌گرایانه حاکم بر سیاست خارجی چین، این کشور در صورتی که بتواند از منافع متقابل آن برخوردار شود در این راه گام خواهد گذارد.

۴-۲. وابستگی متقابل ناموزون در سطح جهانی

ایران همواره با فشارهای بین‌المللی از سوی غرب و آمریکا مواجه بوده است. تهران در این زمینه به کمک کشورهایی همچون چین امید دارد؛ زیرا ایران چین را به منزله یک متحد بالقوه در نظام بین‌الملل می‌بیند. جمهوری خلق چین نیز به طور سنتی مایل به گسترش روابط با دولت‌هایی همچون ایران برای ایجاد موازنه در مقابل قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل بوده است (Harold & Nader, 2012, p.5). از این حیث توجه به مولفه‌های زیر جهت درک واقع‌بینانه روابط دو کشور ضروری است:

الف. نقش محتاطانه چین در نظام بین‌الملل

چین مایل است به عنوان سهامداری مسئول در نظام بین‌الملل شناخته شود تا حساسیت‌های جهانی نسبت به خیزش چین کاهش یابد (Currier & Dorraj, 2010, p.60). این پارادوکس در روابط دوجانبه ایران و چین در سطح جهانی نیز نمایان شده است. به عنوان مثال یکی از موضوعات مهم در روابط تهران - پکن که ابعاد جهانی پررنگی دارد؛ مسئله هسته‌ای است. تهران با کمک چین فشارهای هسته‌ای را بر علیه خود کاهش می‌دهد و سیاست دولت‌های غربی را تعدیل می‌کند. با این وجود چین در سال ۲۰۰۶ با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل موافقت کرد (Leverett, 2015, p.143) و در ادامه نیز هیچ‌کدام از قطعنامه‌های شورای امنیت در موضوع هسته‌ای ایران را وتو نکرد و یک بازی دوسر برد با این قطعنامه‌ها داشته است.

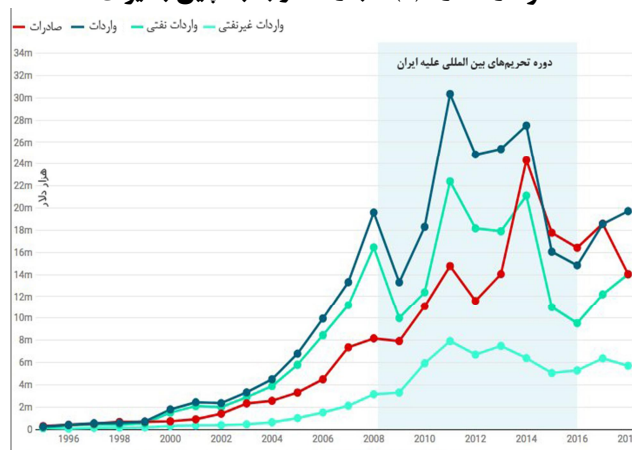
به عنوان مثال چین در ابتدا با دور چهارم تحریم‌ها در سال ۲۰۱۰ مخالف بود. اما با گرفتن این تضمین از آمریکا که تحریم‌های جدید مانع فعالیت شرکت‌های چینی در ایران نخواهند شد به قطعنامه ۱۹۲۹ رأی مثبت داد. این شرایط باعث خروج شرکت‌های خارجی از ایران و ایجاد یک شرایط انحصاری برای چینی‌ها شد معتقدند که عملکرد چین در قبال موضوع هسته‌ای نشانه‌ای از راهبردی نبودن روابط دو کشور، تا زمان تحقیق حاضر دارد؛ موضوعی که هر دو کشور به نوعی خواستار تدارک آن هستند. روابط راهبردی معمولاً جریانی دوطرفه است و متحدان از تمام ابزارهای ممکن برای حمایت از دیگری استفاده می‌کنند. در همین ارتباط رئیس‌جمهور ایران تأکید دارد که: «روابط با چین همواره برای ایران راهبردی بوده و خواهد بود» (روحانی، ۱۳۹۸) و یا علی‌اکبر ولایتی مشاور امور بین‌الملل رهبری در دیدار با کمیته مشورتی وزارت امور خارجه چین اظهار داشته که «روابط دو کشور سازنده و راهبردی است و این دیدارها بر عمق رابطه خواهد افزود» (ولایتی، ۱۳۹۷). البته باید پذیرفت که نظر به سیطره نامشروع آمریکا بر سیستم مالی جهانی، چین نمی‌تواند به سادگی به عنوان یک عامل بازدارنده راهبردی در مقابل سیاست‌های غرب عمل کند. چین در خوشبینانه‌ترین حالت عاملی برای به تأخیر انداختن سیاست‌های خصمانه غرب در قبال ایران است. به عنوان مثال احمدی‌نژاد یک هفته بعد از رأی مثبت چین به دور چهارم تحریم‌ها بیان داشته بود که «ما رابطه بسیار خوبی با چین داریم و دلیلی برای تضعیف رابطه با چین نداریم... مشکل اصلی آمریکا است» (as cited in Ford, 2010).

ب. تلاقی دو نگاه متفاوت به همکاری‌ها

رویکرد ایران به نظام بین‌الملل، بیشتر سیاسی و چین بیشتر اقتصاد محور است. مقامات چینی با حمایت از تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران در دوره احمدی‌نژاد، سعی نمودند مانع از تخریب چهره چین در عرصه بین‌المللی شده و چین را به عنوان یک سهام‌دار مسئول در نظام بین‌الملل نشان دهند. در دوران تحریم‌های یکجانبه اوباما و ترامپ تلاش داشتند تا هم ایران را کاملاً از خود نرانند و هم آمریکا را علیه خود تحریک نکنند. به همین دلیل در دوره ترامپ، با تحریم‌های ثانویه آمریکا هرچند

مخالفت کردند ولی در عمل چالش‌برانگیز هم ظاهر نشدند (Hong, 2014, p.420). بر این اساس، چین به دنبال بهره‌برداری از شرایط کشورهایی است که حضور قدرت‌های بزرگ در آنها بنا به دلیلی ضعیف است. در این شرایط هر دو کشور به اندازه کافی منافع دارند که نسبت به همکاری اقدام نمایند. برای مثال مهم‌ترین قراردادهای چین با ایران بعد از اعمال تحریم‌های سازمان ملل و زمانی که رقیب جدی برای چین و گزینه دیگری برای تهران وجود نداشت؛ منعقد شده است. در این زمینه می‌توان به قرارداد ۲ میلیارد دلاری سال ۲۰۰۷ (توسعه میدان نفتی یادآوران) و قرارداد ۲/۵ میلیارد دلاری سال ۲۰۰۹ (توسعه میدان نفتی آزادگان) اشاره کرد (Jun & Lei, 2010, p.45). در تیر ۱۳۹۶ نیز قراردادی ۵ میلیارد دلاری میان شرکت ملی نفت چین با ۳۰ درصد سهام، شرکت توتال فرانسه با ۵۰ درصد سهام و شرکت پتروپارس با ۲۰ درصد سهام برای توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی منعقد شد. بعد از برگشت تحریم‌ها شرکت توتال از این کنسرسیوم خارج شد و چین ۵۰ درصد سهام فرانسه را به خرید. اما با افزایش فشارهای واشینگتن، در مهر ماه ۹۸ از این پروژه خارج شد (ایسنا، ۱۳۹۸). البته تحریم‌ها باعث نشد که واردات نفت چین از ایران در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۹ به صفر برسد. این مسئله جایگاه مهم ژئوپلیتیکی ایران در سیاست خارجی چین را نشان می‌دهد. نمودار زیر بیانگر روند کاهشی (و نه قطع) روابط تجاری طرفین است.

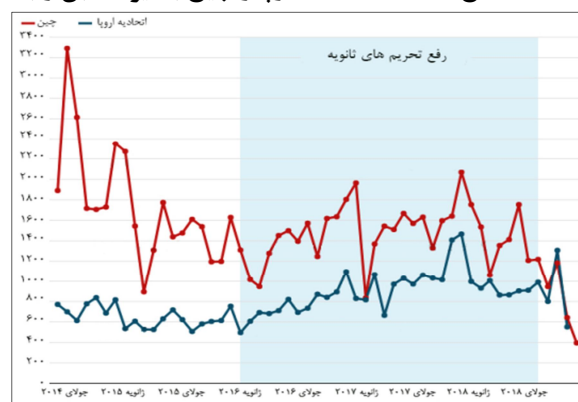
نمودار شماره (۳): تجارت دوجانبه چین با ایران



(منبع: اتاق بازرگانی، ۱۳۹۷)

در واقع افزایش تجارت چین با ایران در فضای تحریم‌ها، راهکاری برای اقتصاد ایران ایجاد کرده؛ و همزمان شرایط ویژه‌ای را برای چین پدید آورده است. به طور مثال بعد از تحریم بانک مرکزی ایران در سال ۲۰۱۱ تجارت با چین نیز دشوار شد و بسیاری از شرکت‌های چینی در تکمیل پروژه‌های خود ناکام ماندند. آمریکا نیز صراحتاً اعلام کرد که برای سرمایه‌گذاری دوباره شرکت‌های چینی در ایران هیچ معافیت جدیدی صادر نخواهد کرد. در چنین شرایطی، هدف ایران استمرار فروش نفت و مقابله با تحریم‌ها بود؛ در حالی که عمده مشتریان نفت ایران متأثر از تحریم‌ها میل به همکاری نبودند. اما چین در بازار معامله نفت با ایران باقی ماند و تسلیم خواست آمریکا نشد؛ و متقابلاً از امتیاز خرید نفت با سیستم تهاتری^{۱۱} بهره‌مند گردید (Harold & Nader, 2012, p.12). نمونه دیگر آن که در دور قبلی تحریم‌ها (اوباما)، تقریباً کل پول نفت ایران توسط بانک کانلون پرداخت می‌شد، اما با بازگشت تحریم‌های ثانویه، این بانک اعلام کرد که از ارائه خدمات معذور است. اشاره به برخی از ارقام در روابط تجاری چین به درک رویکرد احتیاط‌آمیز چین در قبال ایران کمک خواهد کرد. ارزش ماهانه صادرات اروپا و چین به ایران بعد از بازگشت تحریم‌ها در ماه‌های پایانی ۲۰۱۸ به کف چهارساله خود رسیده است. به طوری که صادرات چین به ایران از ۱/۲ میلیارد دلار در اکتبر ۲۰۱۸ به ۴۰۰ میلیون دلار در دسامبر ۲۰۱۸ رسیده؛ یعنی در کمتر از ۲ ماه حدود ۷۰ درصد کاهش داشته است.

نمودار شماره (۴): ارزش ماهانه صادرات اروپا و چین به ایران قبل و بعد از برجام

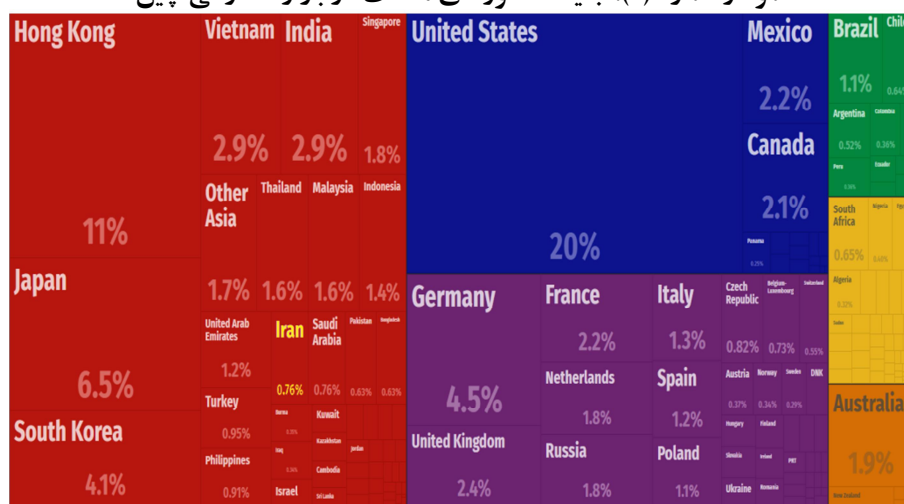


(منبع: اتاق بازرگانی، ۱۳۹۷)

پ. روابط دو کشور و شبکه تعاملات اقتصادی جهانی

با توجه به جایگاه قدرت‌های بزرگ در سیاست خارجی چین، روابط ایران و چین را باید در پرتو مبادلات چین با کشورهای بزرگ ارزیابی کرد. روابط چین و ایران در مقایسه با روابط چین با قدرت‌هایی مانند آمریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد. اولویت نخست چین در سطح جهانی برقراری رابطه با قدرت‌های بزرگ است. این امر در فراخوان شی جین‌پینگ برای ایجاد «نوع جدید روابط قدرت‌های بزرگ»^{۱۲} آمده است (Hong, 2014, p.410). اگرچه چین خود را رهبر کشورهای در حال توسعه و به تعبیری جهان سوم می‌داند اما به هر حال چین عضو باشگاه قدرت‌های بزرگ است. از این رو تعجب‌آور نیست که بر اساس منطق اقتصادی حاکم بر روابط خارجی چین، حمایت پکن از تهران، تابع عوامل و مؤلفه‌های متعددی باشد که در سطح جهانی و منطقه‌ای باید به آنها توجه داشت (Shariatinia, 2010). نمودار زیر جایگاه کشورهای مختلف در صادرات چین را نشان می‌دهد. سهم ایران ۰/۷۶ درصد است. آمریکای جنوبی ۲۰ درصد صادرات چین را به خود اختصاص داده است. مجموع کشورهای اروپایی نیز که با رنگ بنفش مشخص شده‌اند ۲۲ درصد بازار صادراتی چین را به خود اختصاص داده‌اند (OECD, 2019).

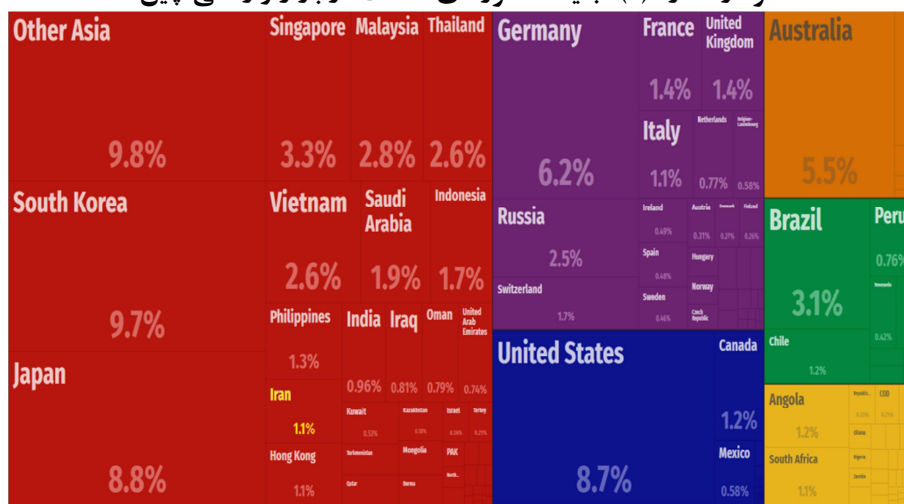
نمودار شماره (۵): جایگاه کشورهای مختلف در بازار صادراتی چین



(Source: OEC, 2019)

ت. تراز تجاری چین و آمریکا و تأثیر آن بر رابطه چین - ایران
 بر اساس اطلاعات صندوق بین‌المللی پول^{۱۳} چین اولین شریک تجاری ایران است. البته جایگاه ایران در بازار صادراتی چین در سال ۲۰۱۸ با ۱۴ میلیارد دلار در رتبه ۳۳ و پایین‌تر از کشورهایمانند امارات، عربستان، ترکیه و پاکستان قرار داشته است. آمریکا با ۴۸۰/۷ میلیارد دلار رتبه نخست را در بازار صادراتی چین دارد. اما به خاطر صادرات نفت^{۱۴} وضعیت ایران در بازار وارداتی چین اندکی بهتر است. ایران با ۲۱/۹ میلیارد دلار رتبه ۲۴ را در بازار وارداتی چین دارد. با این وجود کشورهایمانند عربستان، عراق و آنگولا جایگاه بهتری از ایران دارند. آمریکا نیز با ۱۵۶/۳ میلیارد دلار رتبه چهارم را دارد (IMF, 2019). نمودار زیر جایگاه کشورهای مختلف در بازار وارداتی چین را نشان می‌دهد. ایران ۱/۱ درصد از واردات چین را به خود اختصاص داده است. آمریکا ۸/۷ درصد و مجموع کشورهای اروپایی ۱۹ درصد از بازار وارداتی چین را به خود اختصاص داده‌اند (OECD, 2019).

نمودار شماره (۶): جایگاه کشورهای مختلف در بازار وارداتی چین

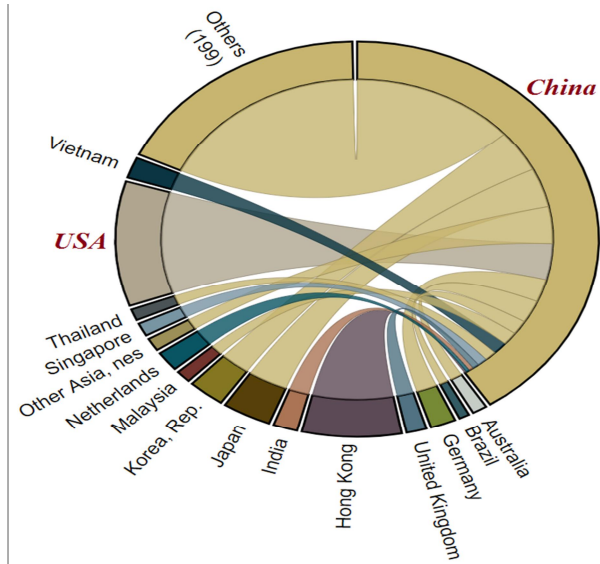


(Source: OEC, 2019)

نکته قابل توجه اینکه تراز تجاری چین با آمریکا مثبت است. چین در سال ۲۰۱۸ حدود ۴۸۰/۷ میلیارد دلار به آمریکا صادرات و حدود ۱۵۶/۳ میلیارد دلار از آمریکا واردات داشته است. یعنی تراز تجاری چین در مقابل آمریکا مثبت ۳۲۴/۵ میلیارد دلار

بوده است. بنابراین با تحریم شرکت‌ها و بانک‌های چینی تراز تجاری چین در مقابل آمریکا با تأثیر منفی قابل توجه مواجه خواهد شد. نمودار ۷ با نشان دادن جریان تجاری چین با ۱۵ شریک برتر تجاری این وضعیت را بهتر تبیین می‌کند. همان‌گونه که در نمودار ۷ مشاهده می‌شود جریان صادرات چین به سوی آمریکا نسبت به گلوگاه وارداتی آن پهن‌تر است. یعنی چین از رابطه تجاری با آمریکا سود بیشتری می‌برد. در نتیجه حساسیت و آسیب‌پذیری آن نسبت به اقدامات آمریکا بیشتر است. البته علاوه بر جریان تجارت، سلطه دلار بر بازارهای جهانی، نفوذ آمریکا در بازارهای مالی و قدرت ساختاری آمریکا در اقتصاد سیاسی بین‌الملل باعث آسیب‌پذیری بیشتر چین در قبال سیاست‌های آمریکا شده است. این در حالی است که بر اساس نمودار شماره ۷ ایران در مجموعه ۱۹۹ کشور قرار دارد. بنابراین چین حساسیت و آسیب‌پذیری چندانی نسبت به تغییر سیاست‌ها در ایران احساس نمی‌کند. بلکه حساسیت و آسیب‌پذیری اصلی چین در قبال تغییر سیاست‌های ایالات متحده در قبال ایران است. اگر از زاویه‌ای دیگر به مثلث ایران، چین و آمریکا نگاه کنیم؛ چین نخستین شریک تجاری ایران است. بنابراین ایران نسبت به تغییر سیاست‌ها در چین حساس‌تر است و آسیب‌پذیری آن نیز بالا است. به طوری که تغییر سیاست‌های چین باعث تغییر قابل توجه در شاخص‌های اقتصادی ایران می‌شود. زیرا جایگزین‌های در دسترس برای این وجود ندارد. در واقع با اعمال تحریم‌ها، دسترسی ایران به گزینه‌های جایگزین محدود شده است. یعنی تحمل هزینه‌های ناشی از تغییرات در سیاست‌های چین برای ایران دشوارتر شده است که این پدیده به معنای آسیب‌پذیری بالای ایران در چارچوب وابستگی متقابل ناموزون است.

نمودار شماره (۷): موازنه تجاری چین با شرکای برتر اقتصادی



(Source: WITS, 2018)

در این خصوص حسن روحانی در دوران مسئولیت در شورای عالی امنیت ملی در دیدار با وزیر امور خارجه چین می‌گوید «وزیر امور خارجه چین که پیش از توافق پاریس به تهران آمده بود، پس از جلسه عمومی در جلسه‌ای خصوصی... گفت من به شما به صراحت می‌گویم که حجم روابط اقتصادی و تجاری ما با اروپا و آمریکا بسیار بالا است. حجم واردات و صادرات ما در مجموع به هزار میلیارد دلار بالغ می‌شود. طرف‌های تجاری ما عمدتاً آمریکا، ژاپن و اروپا هستند و سهم بقیه کشورها با این سه قابل مقایسه نیست؛ بنابراین، اگر توقع دارید ما رو در روی آمریکا و اروپا بایستیم، ما این کار را دست‌کم تا بیست سال دیگر نمی‌توانیم انجام دهیم. ما نیاز به دوره‌ای از آرامش داریم تا از لحاظ اقتصادی و تکنولوژیکی به اهداف خود برسیم» (روحانی، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۴).

با توجه به نگاه اقتصادی چین، پکن در برهه‌هایی که با فشار سیاسی و نظامی در سطح جهانی مواجه بوده به سمت دیگر کشورها چرخش پیدا کرده و حاضر به همکاری‌هایی شده که طبعاً سود طرفین در آن موضوعیت داشته است. به عنوان مثال بعد از جریان میدان تیان‌آمن به سال ۱۹۸۹ و یا فشارهای آمریکا از طریق مسئله تایوان

بر چین، شاهد شکل‌گیری شرایطی هستیم که همکاری‌ها برای طرفین اولویت بالایی یافته است (Harold & Nader, 2012, p.4). به عنوان مثال در زمان فروش هواپیماهای F16 و موشک‌های ضد هوایی استرینگر آمریکا به تایوان در اواسط دهه ۱۹۹۰، بود که شرایط برای همکاری تسلیحاتی چین و ایران بهبود می‌یابد (Pieper, 2013, p.300). نمودار زیر الگوی روابط چین و ایران بر اساس نظریه وابستگی متقابل را نشان می‌دهد. روند فزاینده تعاملات چین با اقتصاد جهانی و قدرت‌های بزرگ (در سه دهه گذشته) باعث وابستگی متقابل این کشور با اقتصاد جهانی و قدرت‌های بزرگ شده است. این موضوع از جمله عوامل مهمی است که باید در تنظیم الگوی واقع‌بینانه تعامل ایران با چین لحاظ گردد. به عبارت دیگر هنر ایران آن است که بتواند با عنایت به اصول و مبانی‌ای که در عرصه سیاست خارجی دارد، و با توجه به منافع ملی‌اش و همچنین لحاظ نمودن موقعیت راهبردی چین؛ به الگوی واقع‌بینانه از تعامل با چین رسیده و آن را در دستور کار بلندمدت سیاست خارجی‌اش قرار دهد. در نمودار زیر مقتضیات این الگوی واقع‌بینانه مستند به نظریه وابستگی متقابل آورده شده است:

نمودار شماره (۸): الگوی سیاست خارجی چین در قبال ایران بر اساس نظریه وابستگی متقابل



(طراحی توسط نویسندگان)

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی هر کشوری تحت تأثیر عناصر و اولویت‌های متفاوتی شکل می‌گیرد. از این رو هیچ کشوری را نمی‌توان پیدا کرد که اولویت‌ها و متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی‌اش با کشور دیگر کاملاً یکسان باشد. با این وجود شباهت‌های موجود در رویکرد سیاست خارجی کشورها باعث نزدیکی آنها به یکدیگر می‌شود. اگرچه راهکارهای اتخاذ شده در سیاست خارجی ایران و چین کاملاً با یکدیگر متفاوت است؛ اما هر دو کشور از نظم موجود بین‌المللی ناراضی هستند و این موضوع یک شباهت ماهویی در سیاست خارجی این دو کشور ایجاد کرده که باعث اهمیت متقابل این دو کشور برای یکدیگر شده است. لذا پژوهش پیش‌رو در پی بررسی این پرسش بود که نگاه ایران و چین به یکدیگر در تعاملات خارجی چگونه است؟ با اجتناب از دیدگاه‌های افراطی (مبنی بر ارایه تصویری کاملاً مثبت یا منفی از چین) باید پذیرفت که روابط ایران و چین را نمی‌توان به وابستگی و نیاز یک طرف و فرصت‌طلبی طرف دیگر تقلیل داد. میان این دو کشور الگویی نامتقارن از وابستگی متقابل حاکم است. بر اساس سیاست خارجی توسعه‌گرایانه چین، منافع اقتصادی بیش از هر چیز دیگری برای پکن اولویت دارد که باعث تلاش برای بهره‌برداری ژئواکونومیکی از موقعیت جغرافیایی شرکا شده است. اگرچه این پدیده در بلندمدت می‌تواند به موازنه ژئوپلیتیکی در مقابل ایالات متحده منجر شود؛ اما منطبق با اقتصاد دولتمردان چینی حکم می‌کند که این کشور به خاطر طرف‌های ثالث، درگیر موضوعات سیاسی و نظامی پرهزینه نشود و خود را به شکل مستقیم در مقابل قدرت‌های بزرگ و به ویژه قدرت هژمون قرار ندهد. بدین جهت چین تلاش دارد که روابط خود را به گونه‌ای با ایران پیش ببرد که نه موجب رنجش تهران شود و نه خشم جهان غرب را برانگیزد. از این رو بررسی روابط چین و ایران بر مبنای انگیزه‌های سیاسی محض دور از واقعیت است. در عین حال تأکید صرف به انگیزه‌های اقتصادی نیز نمی‌تواند به واقعیت نزدیک باشد. بر اساس نظریه وابستگی متقابل گسترش تعاملات اقتصادی به صلح‌آمیزتر شدن روابط میان کشورها کمک می‌کند؛ اما لزوماً با همگرایی سیاسی یا حمایت سیاسی همراه نخواهد بود. چین بدین وسیله فضایی مطلوب برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای خود ایجاد کرده و روند رشد خود را در پرتو همکاری استراتژیک با ایالات متحده پیش می‌برد.

با این وجود نخبگان چینی تعدیل و تغییر نظم بین‌المللی را از یاد نبرده‌اند. زیرا این رویکرد نه تنها جایگاه چین در نظام بین‌الملل در حال گذار را تقویت خواهد کرد بلکه باعث تمایل روزافزون بسیاری از قدرت‌های در حال توسعه‌ای مانند ایران برای همکاری با پکن شده است. نگاه ژئواکونومیکی چین به ایران نیز در همین راستا قابل فهم است.

اما عملکرد مقامات چینی نشان می‌دهد که پکن قصد دارد از طریق مسالمت‌آمیز و در قالب برنامه‌ای بلندمدت نظم بین‌المللی را تعدیل نماید. چینی‌ها تلاش دارند که تا سال ۲۰۲۱ (صدمین سالگرد تأسیسی حزب کمونیست چین) کشورشان را به رفاهی نسبی برسانند و تا سال ۲۰۴۹ (صدمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین) به جایگاه قدرتی کاملاً توسعه‌یافته در جهان دست یابند. از این‌رو هرگونه تنش سیاسی و نظامی در روابط چین با کشورهای توسعه‌یافته و به ویژه قدرت هژمون، روند توسعه این کشور را به چالش خواهد کشید. روابط چین با جمهوری اسلامی ایران دارای سقف و کف تعیین‌شده‌ای است. سقف روابط تهران - پکن تاجایی است که روابط چین با مجموعه غرب دچار نوسان نشود و کف این رابطه نیز تا جایی است که روابط اقتصادی چین با ایران و مزیت ژئوپلیتیکی تهران برای چین به طور کلی نابود نشود. از این‌رو جایگاه ایران برای چین در پرتو روابط استراتژیک پکن با غرب و آمریکا قابل تبیین است. به طور کلی در تحلیل روابط خارجی چین با کشورهای دیگر و به طور خاص با ایران باید همواره این نکته را مد نظر داشت که استراتژی کلان پکن بر پایه فراهم ساختن هرچه سریع‌تر زیرساخت‌های لازم برای رشد و تبدیل این کشور به یک ابر قدرت طراحی شده است. چین در چارچوب وابستگی متقابل اقتصادی با کشورهای مختلف از جمله آمریکا اهداف اقتصادی خود را در عرصه سیاست خارجی پیش می‌برد. بر اساس شواهدی که در این پژوهش مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت که وابستگی متقابل چین با اقتصاد بین‌الملل و قطب‌های ثروت و قدرت جهانی به ویژه آمریکا سبب شده که حساسیت و آسیب‌پذیری این کشور در قبال تصمیمات قدرت‌های بزرگ در قبال کشورهای ثالث بالا برود؛ و این همان اصل راهبردی است که ایران در مدیریت مناسباتش با چین باید مدنظر داشته باشد.

یادداشت‌ها

۱. این مقاله با پشتیبانی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور نگاشته شده است.
2. John Garver
3. Strategic opportunism.
4. Conduit & Akbarzadeh
5. Belt and Road Initiative (BRI)
۶. در صورتی که ایران بتواند پتانسیل‌های ژئواکونومیکی خود را برای صادرات انرژی به چین عملیاتی کند اهمیت ایران در مقایسه با سایر صادرکنندگان انرژی به چین افزایش خواهد یافت. اما در حال حاضر این قابلیت ژئواکونومیکی از قوه به فعل در نیامده است (برای اطلاعات بیشتر در این مورد ر.ک به: فلاحی، احسان و امید، علی، ۱۳۹۸).
7. Pivot toward East Asia
8. Rising Regional Power
۹. چین در ابتکار کمربند راه شش مسیر ترانزیتی را از راه زمینی در نظر گرفته است که یکی از آنها کریدور اقتصادی چین - آسیای مرکزی - غرب آسیا است. این کریدور نهایتاً از طریق سوریه، عراق و ترکیه به دریای مدیترانه ختم می‌شود (HKTDC Research, 2016).
10. Stockholm International Peace Research Institute
11. Barter system
12. New Type of Great Power Relations
13. International Monetary Fund (IMF)
۱۴. بیش از ۹۸/۱ درصد صادرات ایران به چین نفت و مشتقات آن است. ۱/۶ درصد فلزات و ۰/۳ درصد نیز شامل سایر موارد است (OEC, 2018).

کتابنامه

- اتاق بازرگانی (۱۳۹۷). افت ناگهانی تجارت چین با ایران؛ هشدار درباره تردید پکن برای مقابله با تحریم‌ها، پایگاه خبری اتاق بازرگانی، صنایع معادن و کشاورزی ایران، قابل دسترسی در: <http://otaghiranonline.ir/news/17426>. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۷/۱۴.
- امام‌جمعه‌زاده، جواد و نساجی، سمیرا (۱۳۹۲). «سیاست خارجی نسل پنجم رهبری جمهوری خلق چین نسبت به جمهوری اسلامی ایران»، *دانش سیاسی*. ۹ (۱۸)، صص ۷۲-۵۹.
- ایسنا (۱۳۹۸). ایران با استفاده از ظرفیت داخلی پروژه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی را ادامه می‌دهد، خبرگزاری مجلس شورای اسلامی ایسنا، قابل دسترسی در: <https://www.icana.ir/Fa/News/436522>. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۷/۱۷.
- جهانگیری، اسحاق (۱۳۹۸). دیدار با سونگ تائو وزیر امور بین‌الملل حزب کمونیست چین،

سایت معاون اول ریاست جمهوری، قابل دسترسی در:

تاریخ دسترسی: <http://www.fvpresident.ir/fa/news/6929/۱۳۹۸/۷/۱۴>

روحانی، حسن (۱۳۹۱). امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
روحانی، حسن (۱۳۹۸). دکتر روحانی در دیدار با رئیس جمهور چین در حاشیه اجلاس شانگهای، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، قابل دسترسی در:

تاریخ دسترسی: <http://www.president.ir/fa/109995/۱۳۹۸/۷/۱۴>

سازمند، بهاره؛ ارغوانی، فریبرز (۱۳۹۲) «ایران، چین و چالش‌های فراروی همکاری‌های فراگیر»، فصلنامه سیاست. ۴۳(۳): ۱۰۴-۸۳

سیف‌زاده، حسن (۱۳۹۰). اصول روابط بین‌الملل (الف و ب). تهران: میزان.
سیف‌زاده، حسن (۱۳۹۲). نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل مبانی و قالب‌های فکری. تهران: سمت.

شاهنده، بهزاد (۱۳۹۶). چین: روابط با آمریکا و ایران. تهران: میزان.
فلاحی، احسان و امیدی، علی (۱۳۹۸). «تحلیل مقایسه‌ای ژئوپلیتیک انرژی چین در آسیای مرکزی و خلیج فارس با نگاهی به جایگاه ایران»، مطالعات اقتصاد انرژی. ۱۵(۶۱): ۶۶-۲۹.
فلاحی، احسان و شفیعی، نوذر (۱۳۹۸). «رویکرد چین در بحران سوریه و جایگاه احتمالی آن در سوریه پس‌بحران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست. ۸(۳۱): ۱۹۰-۱۵۷.

ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۷). ولایتی در دیدار مقام چینی، نسیم آنلاین، قابل دسترسی در:

تاریخ دسترسی: <http://old.nasimonline.ir/Content/Detail/2195282/۱۳۹۸/۷/۲۰>

- Alterman, J (2013). *China's Balancing Act in the [Persian] Gulf*, Center for Strategic & International Studies.
- Conduit, D & Akbarzadeh, S (2019). "Great Power-Middle Power Dynamics: The Case of China and Iran", *Journal of Contemporary China*, 28(117), 468-481.
- Currier, C & Dorraj, M (2010). "In Arms We Trust: The Economic and Strategic Factors Motivating China-Iran Relations", *Journal of Chinese Political Science*, 15(1), 49-69.
- Djallil, L (2011). "China and the Iranian Nuclear Crisis: Between Ambiguities and Interests", *European Journal of East Asian Studies*, 10(2), 227-253.
- Downs, E and Maloney, S (2011), "Getting China to Sanction Iran The Chinese-Iranian Oil Connection". *Foreign Affairs*. 90(2), 15-21.
- EIA (2011). Country Analysis Briefs, *Energy Information Administration*, Available at: https://www.eia.gov/beta/international/analysis_includes/countries_long/China/archive/pdf/China_2011.pdf, Accessed on: 2019/10/04.
- EIA (2015). China, Energy Information Administration (EIA), Available at: <https://www.eia.gov/beta/international/analysis.cfm?iso=CHN>, Accessed on:

2018/12/19.

- EIA (2015). International energy data and analysis, *Energy Information Administration*, Available at: <https://www.eia.gov/beta/international/analysis/long/countries/China/china.pdf>, Accessed on: 2019/10/04.
- Evron, Y (2010). From UN to Unilateral Sanctions on Iran: Political Implications for China, Available at: <https://www.rsis.edu.sg/wp-content/uploads/2014/07/CO10105.pdf>, Accessed on: 2019/10/22.
- Ford, P (2010). At Shanghai Expo, Ahmadinejad polite despite China's support for Iran sanctions, *The Christian Science Monitor*, available at: <https://www.csmonitor.com/World/Asia-Pacific/2010/0611/At-Shanghai-Expo-Ahmadinejad-polite-despite-China-s-support-for-Iran-sanctions> Accessed on: 2019/10/01.
- Garver, J.W (2011). *China and Iran Ancient Partners in a Post-Imperial World*, U.S: University of Washington Press.
- Garver, J.W (2016). China and Iran: Expanding Cooperation under Conditions of US Domination, in NivHoresh (ed), *Toward Well-Oiled Relations?*, PP 180-205, UK: palgravemacmillan.
- Harold, S & Nader, A (2012). China and Iran: Economic, Political, and Military Relations, Center for Middle East Public Policy, International Programs at Rand, Available at: https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/occasional_papers/2012/RAND_OP351.pdf, Accessed on: 2019/08/11.
- HKTDC Research (2016). The Belt and Road Initiative, Available at: <http://china-trade-research.hktdc.com/business-news/article/The-Belt-and-Road-Initiative/The-Belt-and-Road-Initiative/obor/en/1/1X000000/1X0A36B7.htm>, Accessed on: 2019/09/14.
- Hong, Z (2014). "China's Dilemma on Iran: between energy security and a responsible rising power", *Journal of Contemporary China*, 23(87), 408-424.
- IEA (2015). IEA Atlas of Energy, International Energy Agency, Available at: <http://energyatlas.iea.org/#/!tellmap/-1920537974/0>, Accessed on: 2019/07/09.
- IMF (2019). Directions of trade Statics (DOTS), *International Monetary Fund*, Available at: <http://data.imf.org/?sk=9D6028D4-F14A-464C-A2F2-59B2CD424B85&sid=1514498277103>, Accessed on: 2019/09/08.
- Jacques, M (2009). *When China rules the world: The end of the western world and the birth of a new global order*, USA: Penguin.
- Jun, L & Lei, W (2010). "Key Issues in China-Iran Relations", *Journal of Middle Eastern and Islamic Studied*, 4(1), 40-57.
- Keohane, R and Nye, J (2011). *Power and Interdependence*, New York: Longman.
- Leverett, F & Leverett, H (2015). American hegemony (and hubris) The Iranian nuclear issue, and the future of Sino-Iranian relations, In AnoushiravanEhteshami and Yukiko Miyagi (eds), *The Emerging Middle East-East Asia Nexus*, (PP. 148-171), London & New York: Routledge.
- OEC (2018). What does Iran export to China?, *The Observatory of Economic Complexity: OEC*, Available at: https://oec.world/en/visualize/tree_map/hs92/export/irn/chn/show/2017/, Accessed on: 2019/08/18.
- OEC (2019). China, *The Observatory of Economic Complexity: OEC*, Available at: <https://oec.world/en/profile/country/chn/>, Accessed on: 2019/08/11.
- Pieper, M (2013). Dragon Dance or Panda Trot? China's Position towards the

- Iranian Nuclear Programme and Its Perception of EU Unilateral Iran Sanctions. *European Journal of East Asian Studies*, 12(2), 295-316.
- Reuters (2019). China's Xi speaks to Saudi Arabia's King on phone: Xinhua, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-saudi-aramco-china/chinas-xi-speaks-to-saudi-arabias-king-on-phone-xinhua-idUSKBN1W51JT>, Accessed on: 2019/10/01.
- Scobell, A and Nader, A (2016). China in Middle East the wary dragon, Santa Monica: RAND Corporation.
- Shariatinia, M (2010). Iran-China Relations: An Iranian View, *Iran Review*, Available at: http://www.iranreview.org/content/Documents/Iran_China_Relations_An_Iranian_View.htm, Accessed on: 2019/09/09.
- SIPRI (2019). arms exports from China, 2017-2018, *Stockholm International Peace Research Institute*, Available at: http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export_values.php, Accessed on: 2019/10/05.
- UN Comtrade (2019). China, *UN Comtrade Database*, Available at: <https://comtrade.un.org/data/>, Accessed on: 2019/10/05.
- WITS (2018). China exports, imports and trade balance By Country and Region, *world integrated trade solution*, Available at: <https://wits.worldbank.org/CountryProfile/en/Country/CHN/Year/2017/TradeFlow/EXPIMP#>, Accessed on: 2018/12/15.
- Workman, D (2019). Top 15 Crude Oil Suppliers to China, *World's Top Exports*, Available at: <http://www.worldstopexports.com/top-15-crude-oil-suppliers-to-china/>, Accessed on: 2019/10/06.